
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۹

آیه ۵۴

آیه و ترجمه

ان ربکم الله الذی خلق السموت و الارض فی ستة ايام ثم استوی علی العرش
 یغشی الیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بامرہ الا له
 الخلق و الامر تبارک الله رب العلمین ۵۴

ترجمه :

۵۴ - پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش
 دوران) آفرید، سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز
 را می پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است، و خورشید و ماه و
 ستارگان را آفرید در حالی که مسخر فرمان او هستند، آگاه باشید که آفرینش
 و تدبیر (جهان) برای او (و به فرمان او) است. پر برکت (و زوالناپذیر) است
 خداوندی که پروردگار جهانیان است.

تفسیر :

در آیات گذشته خواندیم که مشرکان در قیامت به اشتباه بزرگ خود
 درانتخاب معبود پی می برند آیه مورد بحث معبود حقیقی و واقعی را با ذکر
 صفات خاصش معرفی می کند، تا آنها که حقیقتجو هستند قبل از فرا رسیدن
 رستاخیز در همین جهان او را به روشنی بشناسند، نخست می گوید: «معبود
 و پروردگار شما آن کس است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید یعنی
 معبود کسی جز آفریدگار نمی تواند باشد (ان ربکم الله الذی خلق السماوات و
 الارض فی ستة ايام)

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۰

آیا جهان در شش روز آفریده شده

بحث از آفرینش جهان در شش روز در هفت مورد از آیات قرآن مجید آمده
 است ولی در سه مورد، علاوه بر آسمانها و زمین، «ما بینهما» (آنچه در میان
 زمین و آسمان قرار دارد) نیز به آن اضافه شده است که در حقیقت توضیحی

است برای جمله قبل، زیرا همه اینها در معنی آسمانها و زمین جمع است، چون می‌دانیم آسمان شامل تمام چیزهائی می‌شود که در جهت بالا قرار دارد و زمین نقطه مقابل آن است.

در اینجا فوراً این سؤال به ذهن می‌آید که قبل از آفرینش زمین و آسمان شب و روزی وجود نداشت، که اینها در آن آفریده شود شب و روز از گردش زمین به دور خود و در برابر نور آفتاب به وجود می‌آید.

به علاوه پیدایش مجموعه جهان در شش روز، یعنی کمتر از یک هفته چیزی است برخلاف علم، زیرا علم می‌گوید: میلیاردها سال طول کشید تا زمین و آسمان به وضع کنونی درآمد.

ولی با توجه به مفهوم وسیع کلمه «یوم» (روز) و معادل آن در زبانهای دیگر، پاسخ این سؤال روشن است، زیرا بسیار می‌شود که یوم به معنی «یک دوران» به کار می‌رود، خواه این دوران یک سال باشد یا صد سال یا یک میلیون سال و یا میلیاردها سال، شواهدی که این حقیقت را ثابت می‌کند و نشان یکی از معانی یوم همان دوران است فراوان می‌باشد:

۱- در قرآن صدها بار کلمه «یوم» و «ایام» به کار رفته است، و در بسیاری از موارد به معنی شبانه روزی معمول نیست، مثلاً تعبیر از عالم رستاخیز به «یوم القيامة» نشان می‌دهد که مجموعه رستاخیز که دورانی است بسیار طولانی به عنوان روز قیامت شمرده شده است، از پاره‌های آیات قرآن استفاده می‌شود که روز

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۱

رستاخیز و محاسبه اعمال مردم پنجاه هزار سال طول می‌کشد (سوره معارج آیه ۴)

۲- در متن کتب لغت نیز می‌خوانیم که یوم گاهی به مقدار زمان میان طلوع و غروب آفتاب گفته می‌شود و گاهی به مدتی از زمان هر مقدار بوده باشد.

۳- در روایات و سخنان پیشوایان دینی نیز کلمه یوم به معنی دوران بسیار آمده است، چنانکه امیر مومنان علی در نهج البلاغه می‌فرماید: الدهر یومان یوم لک و یوم علیک: دنیا برای تو دو روز است، روزی به سود تو است و روزی به زیان تو.

در تفسیر برهان در ذیل همین آیه از تفسیر علی بن ابراهیم نیز می‌خوانیم که

امام فرمود فی سته ایام یعنی فی سته اوقات: شش روز یعنی شش وقت و دوران.

۴ - در گفتگوهای روزمره و اشعار شعرا در زبانهای مختلف کلمه یوم و معادل آن نیز به معنی دوران زیاد دیده میشود، مثلاً میگوئیم کره زمین یک روز گداخته و سوزان بود و روز دیگر سرد شد و آثار حیات در آن آشکار گردید، در حالی که دوران گداختگی زمین به میلیاردها سال بالغ میشود. یا اینکه میگوئیم یک روز بنی امیه خلافت اسلام را غصب کردند، و روز دیگر بنی عباس، در حالی که دوران خلافت هر یک به دهها یا صدها سال بالغ میگردد.

شعر ظریف و پر معنایی از کلیم کاشانی داریم که شاهد روشنی برای بحث ما است آنجا که میگوید:

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۲

م م م م

بد نامی حیات دو روزی نبود بیش

د د د د

ی ی ی ی

آن هم کلیم با تو بگویم چسان گذشت

د د د د

م م م م

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

د د د د

ی ی ی ی

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

د د د د

از مجموع بحث فوق چنین نتیجه می گیریم که خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است، هر چند این دورانها گاهی به میلیونها یا میلیاردها سال بالغ شده است و علم امروز هیچگونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است. این دورانهای ششگانه محتملاً به ترتیب ذیل بوده است:

- ۱ - روزی که همه جهان به صورت توده گازی شکلی بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد.
 - ۲ - این کرات تدریجا به صورت توده مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت در آمدند.
 - ۳ - روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.
 - ۴ - روز دیگر زمین سرد و آماده حیات گردید.
 - ۵ - سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.
 - ۶ - سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند.
- آنچه در باره دورانهای ششگانه آفرینش آسمان و زمین در بالا گفتیم با آیات ۸ تا ۱۱ سوره فصلت قابل تطبیق است که شرح بیشتر در این زمینه در تفسیر همان آیات به خواست خدا بیان خواهد شد.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۳

چرا جهان را در یک لحظه نیافرید؟

در اینجا سؤال دیگری نیز مطرح میشود که خداوند با وجود قدرت بی انتهای که دارد می توانست همه آسمانها و زمین را در یک لحظه بیافریند، چرا آنها را در این دورانهای طولانی قرار داد؟

پاسخ این سؤال را از یک نکته میتوان دریافت و آن اینکه آفرینش اگر در یک لحظه می بود، کمتر میتوانست از عظمت و قدرت و علم آفریدگار حکایت کند، اما هنگامی که در مراحل مختلف و چهره های گوناگون، طبق برنامه های منظم و حساب شده، انجام گیرد دلیل روشنتری برای شناسائی آفریدگار خواهد بود، فی المثل اگر نطفه آدمی در یک لحظه تبدیل به نوزاد کامل میشد، آنقدر نمیتوانست عظمت خلقت را بازگو کند، اما هنگامی که در طی ۹ ماه، هر روز در مرحله های، و هر ماه به شکلی، ظهور و بروز کند می تواند به تعداد مراحل که پیموده است نشانه های تازه های از عظمت آفریدگار بدست دهد

سپس قرآن میگوید: خداوند پس از آفرینش آسمان و زمین، زمام رهبری آنها را بدست گرفت یعنی نه تنها آفرینش از او است بلکه اداره و رهبری جهان نیز با او میباشد (ثم استوی علی العرش). و این پاسخی است به آنها که جهان را در آفرینش نیازمند به خدا میدانند در

عرش چیست

عرش در لغت به معنی چیزی است که دارای سقف بوده باشد و گاهی به خود سقف نیز عرش گفته می‌شود مانند: او کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها (مانند کسی که از کنار قریه‌های گذشت در حالی که آنچنان ویران شده بود که سقفهایش فرو ریخته و دیوار بر سقفها درغلطیده بود) (بقره آیه ۲۵۹).

گاهی به معنی تخته‌های بلند همانند تخت سلاطین نیز آمده است، چنانکه در داستان سلیمان می‌خوانیم که می‌گوید: ایکم یاتینی بعروشها: کدامیک از شما میتوانید تخت او (بلقیس) را برای من حاضر کنید (سوره نمل آیه ۳۸). و نیز به داربست‌هایی که برای برپا نگهداشتن بعضی از درختان می‌زنند، عرش گفته می‌شود: همانطور که در قرآن می‌خوانیم وهو الذی انشا جنات معروشات و غیر معروشات: او کسی است که باغ‌هایی از درختان داربستدار و بدون داربست آفرید (انعام آیه ۱۴۱).

ولی هنگامی که در مورد خداوند به کار می‌رود و گفته می‌شود عرش خدا، منظور از آن مجموعه جهان هستی است که در حقیقت تخت حکومت پروردگار محسوب می‌شود.

اصولا جمله استوی علی العرش کنایه از تسلط یک زمامدار بر امور کشور خویش است، همانطور که جمله «(ثل عرشه)» (تختش فروریخت) به معنی از دست دادن قدرت می‌باشد، در فارسی نیز این تعبیر کنائی زیاد به کار می‌رود، مثلا می‌گوئیم در فلان کشور جمعی شورش کردند و زمامدارشان را از تخت فرو کشیدند، در حالی که ممکن است اصلا تختی نداشته باشد، یا

جمعی به هواخواهی فلان برخاستند و او را بر تخت نشاندند، همه اینها کنایه از قدرت یافتن یا از قدرت افتادن است.

بنابراین در آیه مورد بحث جمله استوی علی العرش کنایه از احاطه کامل پروردگار و تسلط او بر تدبیر امور آسمانها و زمین بعد از خلقت آنهاست.

و از اینجاست روشن میشود: آنها که جمله فوق را دلیل بر تجسم خدا گرفته‌اند گویا توجه به موارد استعمالات فراوان این جمله در این معنی کنائی نکرده‌اند. معنی دیگری برای عرش نیز هست، و آن در مواردی است که در مقابل کرسی قرار گیرد، در این گونه موارد کرسی (که معمولاً به تخت‌های پایه کوتاه گفته میشود) ممکن است کنایه از جهان ماده بوده باشد و عرش کنایه از جهان ما فوق ماده (عالم ارواح و فرشتگان) چنانکه در تفسیر آیه وسع کرسیه السماوات و الارض در سوره بقره مشروحاً گذشت.

سپس می‌فرماید: او است که شب را همچون پوششی بر روز می‌افکند و روشنائی روز را با پرده‌های ظلمانی شب می‌پوشاند (یعنی اللیل النهار). جالب توجه اینکه تعبیر فوق تنها در مورد شب ذکر شده و نفرموده بوسیله روز تاریکی شب را نیز می‌پوشاند زیرا پوشش تنها مناسب تاریکی است، نه روشنائی. بعد از آن اضافه می‌کند: شب با سرعت به دنبال روز در حرکت است همانند طلبکاری که با سرعت به دنبال بدهکار میدود (یطلبه حثیثاً). این تعبیر با توجه به موقعیت شب و روز در کره زمین تعبیر جالبی است زیرا

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۶

اگر کسی از بیرون کره زمین ناظر چگونگی حرکت آن به دور خود و افتادن سایه مخروطی شکل زمین بر روی خودش بوده باشد با توجه به اینکه کره زمین با سرعت سرسام‌آوری (در حدود ۳۰ کیلومتر در دقیقه) به دور خود می‌گردد چنین احساس می‌کند که گویا هیولای سیاه مخروطی شکل با سرعت زیاد در روی این کره به دنبال روشنائی روز در حرکت است، ولی این موضوع در مورد روشنائی روز صادق نیست زیرا روشنائی آفتاب در نیمی از کره زمین و در تمام فضای اطراف پخش است، و شکلی به خود نمی‌گیرد، تنها تاریکی شب است که به صورت سایه مخروطی شکل همانند یک شب اسرارآمیز گولپیکر روی زمین میدود.

باز اضافه می‌کند او است که خورشید و ماه و ستارگان را آفریده است، در حالی که همه سر بر فرمان او هستند (و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامرہ).

(درباره تسخیر خورشید و ماه و ستارگان و معانی آن در ذیل آیات مناسب، به خواست خدا، بحث خواهیم کرد)

پس از ذکر آفرینش جهان هستی و نظام شب و روز و آفرینش ماه و خورشید و ستارگان به عنوان تاکید میگوید: آگاه باشید آفرینش و اداره امور جهان هستی تنها به دست او است (الا له الخلق و الامر).

خلق و امر چیست؟

در اینکه منظور از خلق و امر چیست، میان مفسران گفتگو است، اما با توجه به قرائنی که در این آیه و آیات دیگر قرآن موجود است استفاده می شود که منظور از خلق آفرینش نخستین، و منظور از امر قوانین و نظاماتی

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۷

است که به فرمان پروردگار در عالم هستی حکومت می کند و آنها را در مسیر خود رهبری می نماید.

این تعبیر در حقیقت پاسخی است به آنها که چنین می پندارند خداوند جهان را آفریده و آن را به حال خود واگذارده و کناری نشسته است، و به تعبیر دیگر عالم هستی در ایجادش نیازمند به خدا است، اما در بقا و ادامه حیات نیازی ندارد!

این جمله میگوید همانطور که جهان در حدوثش نیازمند به او است در تدبیر و ادامه حیات و اداره اش نیز وابسته به او می باشد، و اگر لحظه ای لطف خدا از آن گرفته شود نظامش به کلی از هم گسسته و نابود می گردد.

بعضی از فلاسفه مایلند که عالم خلق را عالم ماده و عالم امر را عالم ماوراء ماده بدانند، زیرا عالم خلق جنبه تدریجی دارد و این خاصیت جهان ماده است و عالم امر جنبه دفعی و فوری دارد و این خاصیت جهان ماوراء ماده است چنانکه میخوانیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون: هنگامی که خداوند چیزی را اراده کند، به او فرمان می دهد موجود باش، آن هم موجود می شود (سوره یس آیه ۸۲).

ولی با توجه به موارد استعمال امر در آیات قرآن و حتی جمله و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامر که در آیه مورد بحث خواندیم، استفاده می شود که امر به معنی هر گونه فرمان الهی است، خواه در جهان ماده باشد یا جهان ماورای ماده (دقت کنید).

و در پایان آیه میفرماید: پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است (تبارک الله رب العالمین).

در حقیقت این جمله بعد از ذکر آفرینش آسمان و زمین و شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان و تدبیر جهان هستی یکنوع ستایش از مقام مقدس پروردگار

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰۸

است که به عنوان تعلیم به بندگان فرموده. تبارک از ماده برکت است و ریشه آن برک (بر وزن درک) به معنی سینه شتر میباشد، و از آنجا که شتران به هنگامی که در جائی ثابت میمانند سینه خود را به زمین می چسبانند، این کلمه تدریجا معنی ثابت ماندن به خود گرفته است سپس به هر نعمتی که پایدار و با دوام باشد و هر موجودی که دارای عمر طولانی و آثار مستمر و ممتد است، موجود مبارک یا پربرکت گفته میشود، و نیز اگر می بینیم به استخرها و یا بعضی از مخازن آب برکه گفته میشود به خاطر این است که آب مدتی طولانی در آن باقی میماند. و از اینجا روشن می شود که یک سرمایه پربرکت، سرمایه ای است که به زودی زوال نپذیرد و یک موجود مبارک موجودی است که آثار آن مدتی طولانی برقرار بماند، بدیهی است لایقترین وجود برای این صفت همان وجود خدا است او وجودی است مبارک ازلی، ابدی و سرچشمه همه برکات و نیکی ها و خیر مستمر، تبارک الله رب العالمین (در ذیل آیه ۹۲ سوره انعام نیز در این باره سخن گفتیم).